



روایتی از استعمار زیبایی شناختی
و سقوط مصرف داخلی؛
قصه پرغصه
کالاهای ایرانی

دنیای هوادار

روزنامه مستقل

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

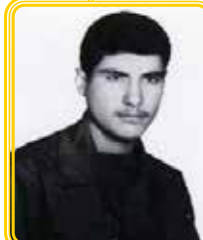
شماره ۱۸۱۲



روایت یک هم اندیشی برای احیای صادرات و بازسازی زیرساخت های صنعتی؛



یاد و خاطره شهدا، به ویژه **شهید حسینیعلی آقامحالی طرخورانی** که ۲۲ فروردین ۶۲ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



ژلنسکی خواستار حضور ترامپ در دیدار با پوتین شد

رئیس جمهوری اوکراین گفت که از ایده دونالد ترامپ برای گفت و گوی مستقیم با ولادیمیر پوتین همتای روس آن‌ها در استانبول در ۱۵ مه (۲۴ اردیبهشت) حمایت می‌کند و امیدوار است که رئیس جمهوری آمریکا نیز در این دیدار حضور داشته باشد. ولودیمیر ژلنسکی افزود، کاملاً از ایده دونالد ترامپ برای آتش‌بس کامل و بی‌قید و شرط حمایت می‌کند و امیدوار است این آتش بس به اندازه کافی طولانی باشد تا یک زمینه برای دیپلماسی را فراهم کند. رئیس جمهوری اوکراین همچنین تأکید کرد: به ترکیه سفر خواهد کرد. همه در اوکراین از حضور رئیس جمهور آمریکا در این نشست در ترکیه قدرانی خواهیم کرد. این ایده درستی است. می‌توانیم تغییرات زیادی ایجاد کنیم.

دنیای هوادار

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۲

رویداد

حرف اول

روایتی از استعمار زیبایی‌شناختی و سقوط مصرف‌داخلي؛

قصه پرغصه کالاهای ایرانی

مهدی صالحی

در هر کوچه و خیابان، در میان قفسه‌های درخشان فروشگاه‌ها، ما هر روز میان دو انتخاب سرگردانیم: کالای ایرانی یا کالای خارجی؟ تصمیمی که در ظاهر ساده می‌نماید، اما در لایه‌های عمیق خود به انبوهی از مسائل تاریخی، فرهنگی، روانی، و حتی فلسفی گره خورده است. آنچه در سطح به عنوان «قاچاق کالا و ارز» می‌شناسیم، در باطن شاید همان «فقدان حس تعلق» و بحران «زیباشناسی مصرف» در جامعه امروز ماست. برآستی چرا مصرف کالای ایرانی تا این حد دشوار شده؟ چرا مردم حتی گاهی با افتخار، سراغ برندی می‌روند که برچسب خارجی دارد اما روحی وارداتی ندارد؟ پاسخ این پرسش‌ها فراتر از سیاست‌های اقتصادی است؛ آن‌ها از ناخودآگاه جمعی، تجربه‌های زیسته، و جایگاه مصرف در هویت‌سازی مدرن خبر می‌دهند.

از هگل تا هایدگر: مصرف به مثابه معنا

در عصر پسامدرن، مصرف فقط خریدن نیست، بلکه نوعی «بیان هویت» است. ژان بودریار، جامعه‌شناس برجسته مصرف را نه برای رفع نیاز بلکه برای «معناسازی» می‌داند. وقتی جوانی، شلوار جین برند خارجی می‌پوشد یا نوشیدنی خاصی می‌خرد، گویی در حال روایت داستانی درباره خود است: من جهانی‌ام، مدرن‌ام، متفاوت‌ام. حال اگر همین تجربه با کالای داخلی جایگزین شود، آیا همان معنا منتقل می‌شود؟ متأسفانه پاسخ اغلب منفی است، چون فرهنگ عمومی ما در دهه‌های گذشته نتوانسته از کالای ایرانی یک «اسطوره مصرف» بسازد. ما از محصولاتمان فقط انتظار «کیفیت» داریم، اما فراموش کرده‌ایم که مصرف، پیش از آن که به دوام و کارایی مربوط باشد، به تخیل و رؤیا وابسته است.

فانتزی مصرف در امتداد استعمار زیبایی‌شناختی

قاچاق کالا نه فقط اختلالی اقتصادی، بلکه نشانه‌ای از استعمار زیبایی‌شناختی است؛ یعنی حاکمیت ذوق و سلیقه‌ای که از بیرون مرزها دیکته می‌شود. این استعمار با سریال‌های ماهواره‌ای، بلاگرهای اینستاگرامی، بسته‌بندی‌های درخشان و الگوهای مصرفی غرب‌محور کار خود را پیش برده است. نتیجه؟ قاچاق کفش و پوشاک، لوازم آرایش، دارو، حتی لوازم التحریر. ما با آشنایی سر و کار داریم که نه به خاطر کیفیت‌شان، بلکه به خاطر تصورات ذهنی‌مان از «خارجی بودن» گرامی می‌داریم‌شان. اگر کالاهای قاچاق هنوز در بازار جولان می‌دهند، به این دلیل

است که ذهن ما هنوز «تسخیر» نشده است.

تولیدکنندگان ایرانی اغلب گلایه دارند که چرا مردم کالای داخلی نمی‌خرند، چرا قاچاق رونق دارد، چرا بازارشان از رونق افتاده. اما در تحلیل نهایی، ما با دو ناسیونالیسم سر و کار داریم: یکی اقتصادی، که بر تقویت تولید داخلی تأکید دارد، و دیگری فرهنگی، که به ساختن تصور مثبت از خود و مصنوعات بومی می‌پردازد. اگر دومی نباشد، اولی شکست می‌خورد. نمی‌توان انتظار داشت مردمی که سال‌ها از رسانه‌های رسمی فقط سیاه‌نمایی درباره کیفیت داخلی دیده‌اند، ناگهان به دفاع از آن برخیزند. مصرف کالای ایرانی نیازمند بازسازی اعتماد عمومی و احساس غرور مشترک است؛ احساسی که بدون مشارکت هنرمندان، فیلم‌سازان، نویسندگان، وبلاگ‌های تأثیرگذار ممکن نیست.

قاچاق کالا: بیماری یا نشانه بیماری؟

نگاه صرفاً امنیتی یا قضایی به قاچاق، نگاه ساده‌انگارانه‌ای است. پدیده قاچاق، مانند تب در بدن انسان، نشانه‌ای است از بیماری بزرگ‌تر: فقدان عدالت اقتصادی، شکاف طبقاتی، سرخوردگی اجتماعی، و نبود امید به آینده. کسی که در روستایی مرزی تن به کولبری می‌دهد، نه خائن است و نه قاچاقچی؛ او بازنده سیستم اقتصادی‌ای است که توزیع ثروت و فرصت در آن ناعادلانه بوده. بنابراین، هر راهکاری برای پیشگیری از قاچاق کالا باید بر دو محور استوار باشد: اول، عدالت اجتماعی و شفافیت اقتصادی؛ دوم، تقویت حس تعلق فرهنگی به «تولید داخلی» و «خودپسندگی ملی».

فرهنگ‌سازی واقعی زمانی شکل می‌گیرد که مصرف‌کننده احساس کند در موقعیت قهرمانانه‌ای ایستاده است. وقتی او کالای ایرانی می‌خرد، باید بداند که بخشی از یک حرکت جمعی است؛ حرکتی که در برابر سلطه برندهای بی‌ریشه، در برابر قاچاق بی‌مقدار و در برابر استعمار نرم ایستاده. باید برای مصرف ایرانی روایتی خلق کرد که جذاب‌تر از «خارجی‌پسندی» باشد. تبلیغات باید از سطح وظیفه و تعهد عبور کند و به سطح تخیل و لذت برسد. نمی‌شود صرفاً گفت «بخر چون ایرانی است»؛ باید گفت: «بخر چون زیباست، چون خاص است، چون تو را خاص می‌کند».

جبهه‌های اصلی نبرد

نقطه‌ی آغاز برای ساختن آینده‌ای بدون قاچاق، تربیت نسلی است که از کودکی زیبایی، کارآمدی، و منزلت در محصولات داخلی را بشناسد و به آن افتخار کند. تا زمانی که «مصرف کالای ایرانی» صرفاً توصیه‌ای اخلاقی یا شعار تبلیغاتی

سرمقاله

جنگ شناختی و چالش حکمرانی در عصر رسانه

مهرداد تیموری

امروزه، جنگ دیگر صرفاً با سلاح و سرباز تعریف نمی‌شود. جبهه‌ها تغییر شکل داده‌اند؛ از مرزهای جغرافیایی به مرزهای ذهن. از خاکریز به خط رسانه. از تانک به تگ. همان‌طور که سردار احمدی‌مقدم در اختتامیه همایش ملی جنگ شناختی گفت، «هدف جنگ شناختی، دستکاری ذهن مخاطب و تأثیرگذاری بر افکار عمومی است». این سخن، در نگاه اول کلیشه‌ای به نظر می‌رسد، اما اگر دقیق شویم، پرده‌ای از یک بحران عمیق‌تر را کنار می‌زنند: فروپاشی مرز میان واقعیت و تصویر، میان حقیقت و روایت.

جنگ شناختی، نسخه نوین نبرد برای تحمیل اراده است؛ اما نه دیگر از مسیر گلوله، که از مجرای الگوریتم‌ها، ترندها، نشت اطلاعات، و دست‌کاری اعتماد. در این میدان، سربازها کاربران‌اند، اسلحه‌ها کلمات‌اند، و فرماندهان کسانی‌اند که روایت را می‌سازند. در چنین شرایطی، رسانه نه فقط وسیله‌ای برای اطلاع‌رسانی، که ابزاری برای مهندسی ادراک شده است.

آنچه احمدی‌مقدم «حق در لباس باطل» خواند، در واقع همان تکنیک کلاسیک «کندگاری مجدد معنا» در نظریه‌های رسانه‌ای‌ست؛ تکنیکی که معنا را نه انکار، بلکه بازتعریف می‌کند. جنگ شناختی دقیقاً در همین نقطه عمل می‌کند: نه از طریق حذف اطلاعات، بلکه با تزریق بیش از حد اطلاعات متناقض و بی‌سند، تا مخاطب، گیج از سیلاب روایت‌ها، دیگر نتواند حقیقت را از دروغ تمییز دهد. در این میدان، هیچ توپخانه‌ای دقیق‌تر از یک تویییت، و هیچ مین‌گذاری خطرناک‌تر از یک ویدئوی ویرال نیست.

اما پرسش مهم‌تری که در سخنان فرمانده دانشگاه دفاع ملی به آن اشاره شد، به حکمرانی بازمی‌گردد. اگر تصمیم‌گیری‌ها دیگر بر مبنای «تحولات واقعی» نیست، بلکه «تصاویر ساخته‌شده در ذهن» مردم است، پس مشروعیت حکمرانی نیز باید بازتعریف شود. دولتی که نتواند ذهن مخاطب خود را درک و روایت خود را عرضه کند، پیشاپیش جنگ را باخته؛ حتی پیش از آنکه شلیک آغاز شود.

در جنگ شناختی، رسانه‌ها مرجعیت دارند، نه نظامیان. نبردها در توییتر و اینستاگرام رخ می‌دهد، نه در سنگر. و همین واقعیت است که سیاست‌گذاران سنتی را به چالشی عمیق می‌کشد. چالشی که برای عبور از آن، نه صرفاً قدرت نظامی، بلکه قدرت روایت‌سازی، سواد رسانه‌ای، و سرمایه نمادین لازم است. بی‌دلیل نیست که سردار نیز در پایان سخنانش گفت: «برای اداره کشور و حکمرانی، نیاز به شناخت دقیق داریم»؛ شناختی که نه فقط از دشمن، بلکه از جامعه خودمان آغاز می‌شود.

نتایج یک نظرسنجی آشکار کرد؛ افزایش محبوبیت مقاومت بین مردم فلسطین

نداده است.

این نتایج، پیشرفت قابل توجهی را برای رهبران خارج از ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین نشان داد زیرا ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که اگر «مروان برغوثی» نامزد ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین شود، به او رأی خواهند داد، در حالی که ۶۸ درصد تمایل خود را برای رأی دادن به «خالد مشعل» در صورت رقابت با «محمود عباس» که تنها ۲۵ درصد آرا را به دست آورد، ابراز کردند.

بحبوحه افزایش خشم از شرایط سیاسی و معیشتی و جنگ مداوم رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه است.

بر اساس نتایج این نظر سنجی، ۸۰ درصد از فلسطینی‌ها از استعفای «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین استقبال کردند، در حالی که ۶۹ درصد معتقدند که کابینه «محمد مصطفی» نخست وزیر جدید تشکیلات خودگردان فلسطین از زمان تشکیل آن، اصلاحات لازم را انجام

نتایج یک همه پرسی که توسط مرکز تحقیقات نظرسنجی در رام‌الله انجام شد نشان داد که محبوبیت مقاومت در میان مردم فلسطین بصورت چشمگیری افزایش یافته است.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه خبری «فلسطین آنلاین»، مرکز تحقیقات نظرسنجی در رام‌الله نتایج یک نظرسنجی عمومی را منتشر کرد که نشان دهنده تغییرات قابل توجه در احساسات عمومی فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه، در

دانش، پوشال رابازنشسته کرد!

یاسمن یزدانی

تابستان هر سال برای خانواده‌های ایرانی، معادل است با قبض‌های برق سنگین، خطرهای خاموشی و ناتوانی سیستم‌های فرسوده در مقابله با موج گرما. در این میان، کولرهای آبی این همدم سنتی خانه‌های ایرانی هرچند از کولرهای گازی کم‌مصرف‌ترند، اما هنوز میلیون‌ها دستگاه از آن‌ها با پوشال‌های سنتی و ناکارآمد کار می‌کنند. حالا اما در قلب صنعتی استان البرز، یک شرکت دانش‌بنیان قدمی کوچک اما مهم در مسیر بهینه‌سازی این وضعیت برداشته است.

در شهرک صنعتی اشتهارد، گروهی از مهندسان و پژوهشگران ایرانی با طراحی و تولید «پدهای سلولزی پیشرفته» موفق شده‌اند جایگزینی برای پوشال‌های چوبی کولرهای آبی ارائه دهند که تا ۳۰ درصد مصرف برق این سیستم‌ها را کاهش می‌دهد. این عدد برای کشوری که در تابستان با بحران تولید و توزیع برق مواجه است، نه فقط یک صرفه‌جویی ساده، بلکه اقدامی راهبردی برای امنیت انرژی به شمار می‌رود.

این پدهای جدید که از ساختار منظم سلولزی بهره می‌برند، نه تنها رطوبت و تبخیر مؤثرتری نسبت به پوشال‌های قدیمی دارند، بلکه در دماهای بالای ۳۷ درجه نیز عملکرد خود را حفظ می‌کنند. خنکی بیشتر، کاهش مصرف انرژی، ارتقای گرید مصرفی و افزایش طول عمر کولرها، همگی از پیامدهای ملموس این نوآوری‌اند. شاید از بیرون، تنها تفاوتی ساده در ظاهر کولر به چشم بیاید، اما در بطن آن، شاهد یک تغییر بنیادین در الگوی مصرف و کارایی انرژی هستیم. اگر از منظر اقتصادی نیز نگاه کنیم، هزینه‌ی تولید این پدها به مراتب کمتر از زیان‌های ناشی از اتلاف انرژی، خاموشی‌ها، یا فشار بر نیروگاه‌هاست. این یعنی یک سرمایه‌گذاری هوشمندانه در سطح خرد که منجر به پایداری در سطح کلان می‌شود.

استان البرز با دارا بودن حدود ۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان، در حال تبدیل شدن به یکی از هاب‌های فناوری کشور است. اما برخلاف پایتخت، چندان در صدر اخبار قرار ندارد. موفقیت این شرکت اشتهاردی در زمینه فناوری انرژی، می‌تواند نقطه شروعی برای دیده شدن نقش البرز در نقشه ملی نوآوری باشد. استان‌هایی مانند البرز باید به‌عنوان سکوی پرش اقتصاد دانش‌بنیان معرفی شوند، نه صرفاً شهرک‌های صنعتی حاشیه‌ای. این دستاورد، بدون حمایت‌های ساختاری ممکن نبود. بازدید مدیرکل صمت استان البرز و تأکید بر تداوم این مسیر، حاکی از عزم نسبی مسئولان است. اما کافی نیست. حمایت واقعی یعنی تخصیص بودجه، ایجاد بسترهای تبلیغاتی برای آشنایی مردم، و استفاده از ظرفیت‌های نهادهایی چون وزارت نیرو، صداوسیما و شرکت‌های تولیدکننده کولر.

در بسیاری از نقاط جهان، بحران انرژی منجر به شکل‌گیری انقلابی در مصرف شده است. از آلمان سبز گرفته تا ژاپن کم‌مصرف، همه‌جا ایده‌هایی کوچک توانسته‌اند روند مصرف را متحول کنند. حالا نوبت ایران است که سیاست‌گذاری انرژی را تنها به ساخت نیروگاه و واردات برق محدود نکند، بلکه بر بهره‌وری تمرکز کند. پد سلولزی به‌ظاهر یک تکنولوژی ساده است، اما در واقع نمونه‌ای است از اینکه چطور می‌توان با اتکا به دانش بومی، به جنگ بحران‌های کلان رفت. اگر دولت، شهرداری‌ها، نظام بانکی و حتی صنایع تولیدی دست به دست هم دهند، می‌توان این محصول را به یک استاندارد ملی در کولرهای آبی تبدیل کرد. این یعنی آینده‌ای بدون خاموشی، بدون هدررفت، و با مصرف بهینه.

در روزگاری که هرروز با خبرهایی از فرسودگی زیرساخت‌ها، کاهش راندمان و ناتوانی سیستم‌های انرژی روبه‌رو هستیم، یک شرکت کوچک در البرز به ما یادآوری می‌کند که امید، هنوز زنده است. کافی‌ست گوشه‌ای از ساختار سنتی را نکان دهیم تا نسیمی از نوآوری در کشور بوزد. کولرهای آبی هنوز می‌توانند نفس بکشند، اگر به آن‌ها نفس تازه بدهیم. و این نفس، امروز از دلی البرز وزیدن گرفته است.

قدردان دستگاه قضا برای تحقق مطالبات شهری هستیم

رئیس شورای اسلامی شهرستان کرج و سخنگوی شورای شهر کرج گفت: نگاه مثبت، ویژه و بی‌بدیل دستگاه قضایی، قضات و دادستان‌ها به مجموعه مدیریت شهری، نقشی کلیدی در پیشبرد پروژه‌ها و رفع دغدغه‌های مردم داشته است. علی قاسم پور در دیدار با دکتر فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز، از حمایت‌ها و همراهی‌های دستگاه قضایی برای حل مسائل شهری و روستایی قدردانی کرد. قاسم‌پور، با اشاره به اجرای پروژه پارک‌رود به عنوان یکی از شاخص‌ترین اقدامات شهری در استان اظهار کرد: این پروژه با دستور رئیس محترم قوه قضاییه به بهره‌برداری رسید و هم‌اکنون مردم در حال استفاده از آن هستند. زمین‌های اطراف این پروژه که با عنوان اراضی تعاونی خلبانان شناخته می‌شود نیز در قالب یک بسته کامل توسعه‌ای ساماندهی خواهد شد.



سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۲

دنیای سوادار

۳ در شهر

از «البرز» چه خبر؟

برگزاری اجتماع امام‌زایه‌ها؛

پیاده‌راه، محلی برای برپایی مراسم فرهنگی



اینچنین مراسمی مناسب است؛ اگر این برنامه در مکان دیگری برگزار می‌شد، با مشکلات ترافیکی و ناراضی‌های مردم مواجه می‌شدیم.

کرد: میزبان مردم کرج بودیم و استقبال بی‌نظیرشان نشان‌دهنده عشق و ارادت به امام رضا(ع) بود. به گفته اشتری، موبک‌های فرهنگی، موبک‌های ویژه کودکان و دیگر موبک برپا شد اما به دلیل محدودیت فضا نتوانستیم میزبان همه موبک باشیم.

معاون شهردار کرج به برنامه‌های این مراسم اشاره کرد و گفت: اجرای گروه‌های سرود، حضور خدامان حرم امام رضا(ع) و پرچم متبرک حرم علی‌ابن موسی‌الرضا، حضور دکتر عزیزی و مداحان اهل‌بیت(ع) از جمله برنامه‌های اجتماع امام رضایی‌ها بود.

وی بیان کرد: پیاده‌راه کاروانسرای شاه‌عباسی به‌دلیل قرارگیری در مرکز شهر و عدم انسداد خیابان‌ها، برای

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرج از برگزاری اجتماع امام رضایی‌ها با اجرای گروه‌های سرود، حضور خدامان و پرچم حرم امام رضا(ع)، حضور دکتر عزیزی و مداحان اهل‌بیت(ع) خبر داد.

امیر اشتری از برگزاری اجتماع امام رضایی‌ها با حضور پرشور مردم خبر داد و اظهار کرد: پس از آماده‌سازی پیاده‌راه امام‌زاده حسن(ع)، این مکان به‌دلیل موقعیت مرکزی و عدم ایجاد ترافیک، گزینه مناسبی برای برگزاری برخی مراسم است.

اشتری گفت: برنامه‌های بزرگ مانند عید غدیر و اربعین در این فضا قابل اجرا نیستند، اما برای سایر مناسبت‌های فرهنگی و مذهبی مناسب خواهد بود. وی با اشاره به برگزاری اجتماع امام‌رضایی‌ها اذعان

بروز خشکسالی و کاهش گردشگری تهدیداتی جدی برای منطقه است

روستاهای حاشیه رودخانه تبدیل به چالش‌های آبی البرز و فقر گردشگری در کشور نشود. وی هشدار داد: در چند دهه اخیر سوء مدیریت، مهاجرت پذیری، سرریز بی‌رویه جمعیت و آثار مجاورت با پایتخت سیاسی کشور از باغ‌شهری خوش‌نشین شهر کرج به بحران کم‌آبی، قطع درختان، تغییر کاربری و تعدیل فضای سبز به یک کلانشهر بحرانی در حوزه آب، باغ و منابع طبیعی رسیده‌ایم که اگر به فضای سبز و باغات آن رسیدگی و اندیشه‌ای در تامین آب نشود خشک و نابود خواهد شد.

به گفته چپردار، با آنکه ساخت پارک‌رود در فرایند بی‌نظیر مشارکت مدیریت شهری، شهرداری و دستگاه قضایی و تکمیل فازهای آن به افزایش بهره‌مندی و رضایت‌مندی مردم منجر شده ولی ساخت و توسعه آزادانه تهران - شمال کاربری این جاده گردشگری و کاهش آب جاری رودخانه چالوس در محدوده البرز، آبادانی و سرزندگی روستاهای آن را در آینده دچار چالش خواهد کرد که باید در رفع چالش‌های مرتبط بر آن در مدیریت شهری، استان و حتی کشور دوراندیشی شود.

شهرهای استان خشک و نابود می‌شود. رئیس کمیسیون حقوقی و نظارت شورای اسلامی شهر تصریح کرد: وزارت جهاد کشاورزی که خود متولی حفظ و توسعه فضای سبز و صیانت از منابع طبیعی در کشور است در موسسات و سازمان‌های مستقر در کرج حال و روز خوبی ندارند. عضو شورای اسلامی شهر با اشاره به وجود رودخانه کرج افزود: رودخانه کرج در پایین‌دست و مسیر داخلی کلان‌شهر کرج سابقه تاریخی در گردشگری این مرز و بوم دارد ولی ساخت و توسعه بزرگراه‌های جدید برای تسریع دسترسی شهرهای شمالی کشور، مدیریت‌های سیاسی و تکالیف مقرر در تامین مصارف آب پایتخت موهبت این پتانسیل را از ما سلب کرده است.

چپردار بیان کرد: شاید وقت آن رسیده باشد در طرح‌های جامع شهرسازی، تفضیلی یا هادی شهرها و روستاهای واقع در جنوب بزرگراه شمالی از جمله شهرستانک را قبل از چالش‌های عمران، خدمات و حتی گردشگری با فوریت وارد حریم و محدوده شهر کرج کنیم تا امکان حفظ و توسعه سرزندگی و حیات منابع طبیعی به‌ویژه آبادانی



رئیس کمیسیون حقوقی و نظارت شورای اسلامی شهر کرج گفت: کم‌آبی، خطر تعدیل گردشگری در جاده چالوس و تغییر کاربری باغات شهر کرج جدی‌ست و باید برای چالش‌های آبی این شهر چاره‌اندیشی شود.

جواد چپردار در چهل‌وششمین کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهر شورای اسلامی شهر، از بحران کمبود آب در کلانشهر کرج ابراز تاسف کرد و اظهارداشت: شرایط کم‌آبی در استان البرز، قطع درختان، نیاز به حفظ و توسعه فضای سبز به وضعیت بحرانی رسیده و اگر چاره‌اندیشی نشود در سال‌های آینده فضای سبز

حرکت هماهنگ شهرهای اقماری کرج در مسیر بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد

شد تا مشاوران این شهرها با ارائه گزارش‌های مطالعاتی خود، نظرات دستگاه‌های اجرایی را دریافت کرده و فرآیند تصویب و اجرای طرح‌ها را تسهیل کنند.

این مسئول با بیان اینکه هماهنگی و هم‌افزایی میان نهادهای مختلف، پیش‌نیاز موفقیت در بازآفرینی شهری است، تصریح کرد: اگر قرار است تغییری بنیادین در بافت‌های فرسوده و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان آن‌ها ایجاد شود، باید تمامی دستگاه‌های اجرایی به‌صورت منسجم و هم‌راستا با شهرداری‌ها در این روند مشارکت فعال داشته باشند

وی گفت: خوشبختانه با پیگیری‌های مستمر، روند نوسازی بافت‌های فرسوده در شهر کرج پیشرفت چشمگیری داشته و این شهر امروز به عنوان یکی از شهرهای پیشروی کشور در زمینه بازآفرینی شهری شناخته می‌شود. با این حال، تمرکز ما تنها بر شهر کرج نبوده و تلاش کرده‌ایم سایر شهرهای شهرستان را نیز در این مسیر فعال کنیم.

سعیدی کیا بیان کرد: در حال حاضر شهرهای کمالشهر، محمدشهر و ماهدشت دارای مشاور طرح بازآفرینی هستند و مراحل مختلف تهیه و تدوین این طرح‌ها را طی می‌کنند. در جلسه ستاد بازآفرینی اخیر شهرستان کرج فرصتی فراهم

معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج با تأکید بر اهمیت توسعه هماهنگ بازآفرینی در شهرهای اقماری کرج، از آغاز تدوین طرح‌های بازآفرینی در کمالشهر، محمدشهر و ماهدشت خبر داد.

عباس سعیدی با اشاره به برگزاری اولین جلسه ستاد بازآفرینی شهرستان کرج در سال جاری اظهار کرد: ستادهای بازآفرینی در شهرستان‌ها ذیل ستاد بازآفرینی شهری استان تشکیل شده و جلسات آن به ریاست فرماندار و دبیری شهردار مرکز شهرستان برگزار می‌شود. وظیفه این ستادها، هدایت، تسهیل و پیگیری پروژه‌های نوسازی، بهسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهری است.

پرستاری؛ ستون انسانیت و سلامت

عباس عبادی

پرستاری فراتر از یک شغل، تجلی علم، ایثار و انسان دوستی است که از اقدامات راهبردی وزارت بهداشت برای ارتقای منزلت، توانمندسازی و نقش آفرینی گسترده‌تر این قشر در نظام سلامت کشور است.

دوازدهم می، روز جهانی پرستار، روز پاسداشت قامت‌های استواریست که در پرمخاطره‌ترین صحنه‌های زیست انسانی، بی‌بیهوشی و بی‌ادعا، در کنار رنج‌دیدگان ایستاده‌اند؛ زن و مردی که با تمام وجود، مامن امید بیماران و تجلی شفقت و ایثار در نظام سلامت‌اند.

پرستاری، صرفاً یک شغل نیست؛ عرصه‌ایست سترگ از علم، مهارت، وفاداری، انسان دوستی و مسئولیت اجتماعی. جامعه پرستاری کشور ما، در تمامی بحران‌ها و بزنگاه‌های تاریخی، فراتر از وظیفه و مأموریت، با ایمان، تعهد و جان‌فشانی به واژه مراقبت معنا بخشیده است.

شعار امسال روز جهانی پرستار «پرستاران ما، آینده ما؛ قدرت اقتصادی مراقبت» تاکید می‌کند بر این حقیقت انکارناپذیر که سرمایه‌گذاری در پرستاری، نه تنها ضامن سلامت ملت‌ها، بلکه پیش‌شرایط رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی در جوامع پیشرو است. وزارت بهداشت با وقوف به این جایگاه راهبردی، ارتقای منزلت و توانمندسازی گروه پرستاری را نه یک انتخاب، که یک مسئولیت قطعی می‌داند. در همین راستا، تعیین دقیق نیاز کشور به تمامی رده‌های گروه پرستاری اعم از پرستار، کارشناس اتاق عمل، بیهوشی، فوریت‌های پزشکی و کمک‌پرستار، برپایه آمایش سرزمینی و ساختار واقعی مراکز درمانی، در دستور کار قرار گرفته است.

تنوع بخشی به شیوه‌های جذب و به کارگیری پرستاران از مسیرهای استخدام رسمی و قراردادی تا استفاده از ظرفیت نیروهای پاره‌وقت و داوطلب، به منظور جبران کمبود منابع انسانی و چابک‌سازی نظام سلامت دنبال می‌شود؛ اجرای عادلانه و اثربخش قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری با بازطراحی دستورالعمل‌های توزیع منابع، تعریف بسته‌های خدمتی و پرداخت مبتنی بر عملکرد، به‌طور جدی در حال پیگیری است. توسعه خدمات پرستاری در سطح جامعه اعم از مراقبت در منزل، پیگیری بیماران ترخیص‌شده، خدمات تسکینی و توانبخشی و مراقبت‌های اولیه، رویکردی نوین به حضور اثربخش پرستاران در زندگی مردم ترسیم می‌کند. ارتقای جایگاه علمی و پژوهشی پرستاری کشور از طریق تقویت استانداردهای آموزشی، حمایت از گروه‌های علمی، مراکز تحقیقاتی و پژوهش‌های کاربردی، تداوم می‌یابد.

توانمندسازی چندبعدی مدیران و کارکنان پرستاری در ابعاد دانشی، روانی، جسمی، معنوی و حقوقی، با طراحی برنامه‌هایی در سطوح ملی، استانی، دانشگاهی و بیمارستانی، مبنای ارتقای کیفیت مراقبت و حمایت از حقوق بیماران قرار گرفته است.

بهره‌گیری هدفمند از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی در برنامه‌ریزی منابع انسانی، مدیریت مراقبت و آموزش‌های تخصصی، افق آینده‌ای مدرن و هوشمند را در حرفه پرستاری نمایان می‌سازد و در نهایت، برنامه‌ریزی برای ارتقای بهره‌وری، رضایت شغلی، نظام شایسته‌سالاری و بهبود ساختارهای حمایتی و کاری گروه پرستاری، همچون گذشته در کانون توجه وزارت بهداشت قرار دارد.

اینجانب، با گرمی داشت روز جهانی پرستار، مراتب سپاس و قدردانی خود را از یکایک پرستاران شریف، دلسوز و فداکار کشور ابراز می‌دارم و توفیق، سلامت و عزت روزافزون این سرمایه‌های انسانی گران‌سنگ نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران را از درگاه ایزد متعال مسئلت می‌نمایم.



روز شمار هفته ملی اهدای عضو اعلام شد

معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نامه‌ای به معاونان درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، روز شمار هفته ملی اهدای عضو را با تاکید بر اهمیت آموزش تخصصی، عمومی و ترویج فرهنگ اهدای اعضا از موارد مرگ مغزی اعلام کرد. به گفته وی، ۲۵ اردیبهشت روز اهمیت اهدای اعضا در نجات جان و بهبود کیفیت زندگی بیماران، ۲۶ اردیبهشت روز آموزش مؤلفه تأثیرگذار در ارتقای آگاهی عمومی در خصوص اهدای اعضا از موارد مرگ مغزی، ۲۷ اردیبهشت روز اطلاع‌رسانی جامع و ترویج فرهنگ اهدای اعضا از موارد مرگ مغزی، ۲۸ اردیبهشت روز تعامل، توانمندسازی و تقویت رویکردهای مشارکتی نهادهای دولتی و غیردولتی در خصوص اهدا و پیوند اعضا، ۲۹ اردیبهشت روز هماهنگ‌کنندگان اهدای اعضا رکن اساسی تحقق پیوند اعضا، ۳۰ اردیبهشت روز خانواده‌های اهداکننده اعضای پیوندی متعالی‌ترین انسان‌ها در مقیاس ایثار و بخشش و ۳۱ اردیبهشت روز ملی اهدای عضو، اهدای زندگی نامگذاری شده است.

دنیایک سوادار

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۲

جمعه

داستان جلد

روایت یک هم‌اندیشی برای احیای صادرات و بازسازی زیرساخت‌های صنعتی؛

پیام تازه برای تولید

فرازاسدی

زیرساخت نباشد، صادرات هم نمی‌تواند از زمین برخیزد.

گمرک فاوا؛ پنجه‌ای برای شتاب در صادرات

یکی از خبرهای مهم این نشست، اعلام راه‌اندازی گمرک تخصصی فاوا (فناوری اطلاعات و ارتباطات) در منطقه پیام بود. حرکتی که در صورت اجرای درست می‌تواند تنش‌ها و بروکراسی‌های متداول گمرکی برای شرکت‌های فناوری و دانش‌بنیان را کاهش دهد. گمرکی که ساختار آن متناسب با الزامات فنی شرکت‌های فعال در حوزه ICT باشد، نه تنها موجب تسهیل صادرات می‌شود بلکه می‌تواند منطقه پیام را به هاب تبادلات فناوریانه کشور تبدیل کند. با توجه به نقش روزافزون شرکت‌های فناوری در تولید ثروت ملی، وجود یک بستر قانونی، سریع و تخصصی برای صادرات محصولات آن‌ها، ضرورتی است نه لوکس. تحقق این هدف می‌تواند پیام را از منطقه‌ای صرفاً صنعتی، به نقطه‌ای استراتژیک در اکوسیستم نوآوری کشور تبدیل کند.

بحران‌هایی که هنوز پابرجاست

سخنان مدیرعامل پیام درباره تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای رفع اختلالات شبکه برق و تأمین سوخت‌های فسیلی، یادآور آن است که هنوز بسیاری از نیازهای ابتدایی و زیرساختی در سطح «بحران» باقی مانده‌اند. در دنیایی که تأمین انرژی تجدیدپذیر به یکی از شاخص‌های قدرت صنعتی کشورها تبدیل شده، صنایع مادرگیر «تأمین دیزل» و «مدیریت قطعی برق» هستند. بی‌ثباتی انرژی، از جمله عوامل کلیدی خروج سرمایه‌گذار از مناطق صنعتی است. وقتی تولید به خاموشی‌های پیاپی گره بخورد، هیچ برند و هیچ بازار صادراتی پایدار نخواهد ماند. بنابراین آنچه صنایع خواستار آن بودند، فقط برق نبود؛ بلکه «ثبات در تأمین» و «پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌گذاری» بود. یکی از نکات تأمل‌برانگیز این نشست، طرح ضرورت استقرار یک ساختار شهری در منطقه پیام بود. منطقه‌ای که به تدریج از صرف یک محوطه صنعتی به یک زیست‌بوم اجتماعی، اقتصادی و فناوریانه تبدیل شده، نمی‌تواند بدون مدیریت شهری ادامه حیات دهد. نبود نظام مدیریت یکپارچه شهری در پیام،

در دورانی که بحران‌های زیرساختی، نوسانات ارزی و بی‌ثباتی‌های اقتصادی نفس تولیدکنندگان و صنعتگران را به شماره انداخته، «گفت‌وگو» شاید تنها کنش امیدوارکننده‌ای باشد که بتواند پیوندی میان دولت و بخش خصوصی برقرار سازد. نخستین نشست هم‌اندیشی صنعتگران و تولیدکنندگان مستقر در منطقه ویژه اقتصادی و فرودگاه بین‌المللی پیام، از همین جنس بود: تلاش برای شنیدن، گفتن، پیگیری و در نهایت ترسیم یک نقشه راه برای برورن‌رفت از وضعیت نیمه‌تعطیل تولید و شکسته شدن حلقه‌های زنجیره صادرات. این نشست با حضور محسن حسنلو، مشاور وزیر ارتباطات و مدیرعامل منطقه ویژه پیام، و مشارکت بیش از ۷۰ تن از مدیران صنایع، شرکت‌های فناوری و بنگاه‌های تولیدی برگزار شد؛ اما بیش از آنکه صرفاً یک گردهمایی صوری باشد، به یک تربیون واقعی برای بیان دردهای خاموش تبدیل شد. در غیاب زیرساخت‌های پایدار، بی‌ثباتی برق، محدودیت منابع آب، و نارسایی در پشتیبانی‌های اولیه، واحدهای مستقر در منطقه دیگر صرفاً با «نوآوری» و «دانش‌بنیانی» نمی‌توانند روی پای خود بایستند. مسیر تولید، نیازمند ریل‌گذاری مجدد است.

مطالبه‌ای برای بقا؛ نه صرفاً توسعه

آنچه در سخنان تولیدکنندگان و مدیران صنعتی این نشست برجسته بود، نه صرفاً آرزوی توسعه، بلکه تقاضا برای بقا بود. تولیدکننده‌ای که به امید صادرات، در منطقه ویژه اقتصادی پیام سرمایه‌گذاری کرده، امروز با قطعی برق، کندی تخصیص ارز و نداشتن ژنراتور اضطراری روبه‌روست. دغدغه‌ها واقعی‌اند، فنی‌اند، و در عین حال نیازمند مداخله‌های نهادی و سازمان‌یافته. چالش‌های تکراری در این نشست رنگ تازه‌ای گرفتند. از نبود سوخت پایدار و دیزل ژنراتور گرفته تا سیستم ناکارآمد توزیع آب و برق، از کندی در پاسخ‌های گمرکی تا ضعف زیرساخت‌های شهری؛ مجموعه‌ای از معضلات که نه تنها مانع توسعه صنعتی می‌شوند، بلکه اعتماد سرمایه‌گذار را نیز می‌فرسایند. وقتی

«پزشکیان»: مهم‌ترین مشکل محیط زیست کشور، فقدان یک برنامه جامع است

وی با تاکید بر حمایت دولت از تهیه برنامه‌ای جامع برای حفاظت از محیط زیست، گفت: از نظرات بهترین مشاوران بین‌المللی در تهیه برنامه جامع حفاظت از محیط زیست استفاده شود. برنامه تهیه شده باید مبتنی بر تحقیقات و داده‌های علمی و استفاده از تجارب جهانی باشد. اگر چنین برنامه جامعی تهیه شود، چارچوبی کلی برای فعالیت در اختیار مدیران دولت در همه مناطق قرار می‌گیرد و آنها با مشارکت مردم می‌توانند این برنامه را اجرایی کنند.

رئیس‌جمهور پس از شنیدن نظرات اعضای شورای عالی حفاظت محیط زیست درباره چگونگی حفاظت از ۱۷ یوزپلنگ آسیایی باقی مانده در کشور، گفت: می‌توان با روش‌های دقیق و صحیح، محدوده زیست اینگونه جانوری را محدود کرد، تا بتوان برنامه‌ریزی و مدیریت بهتری برای محافظت از آن داشت.

باید برنامه‌ای تهیه شود که شامل اهداف، فرضیات، اقدامات عملیاتی، منابع مالی و نتیجه باشد. رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به ضرورت اصلاح روش‌های موجود و استفاده از فناوری‌های نوین در زمینه حفاظت از محیط زیست، خاطرنشان کرد: استفاده از فناوری نوین موجب می‌شود که هم نظارت دقیق‌تری بر محیط زیست انجام شود و هم خطراتی که اکنون محیط‌بانان را تهدید می‌کنند، کاهش یابد.

پزشکیان افزود: سازمان حفاظت از محیط زیست مسئول نظارت بر رویه‌های جاری در محیط زیست و اعلام هشدارهای لازم در این حوزه بوده و هر دستگاه اجرایی هم در وهله اول مسئول رفع تهدیدهای محیط زیستی در حوزه مسئولیت خود است، به طور مثال وزارت جهاد کشاورزی اولین مسئول مقابله با مسئله فرسودگی خاک است.

رئیس‌جمهور گفت: مهم‌ترین مشکل کشور در زمینه محیط زیست، فقدان یک برنامه جامع است و به همین دلیل اقداماتی که تاکنون انجام شده، به اندازه کافی مشکلات را حل نکرده است.

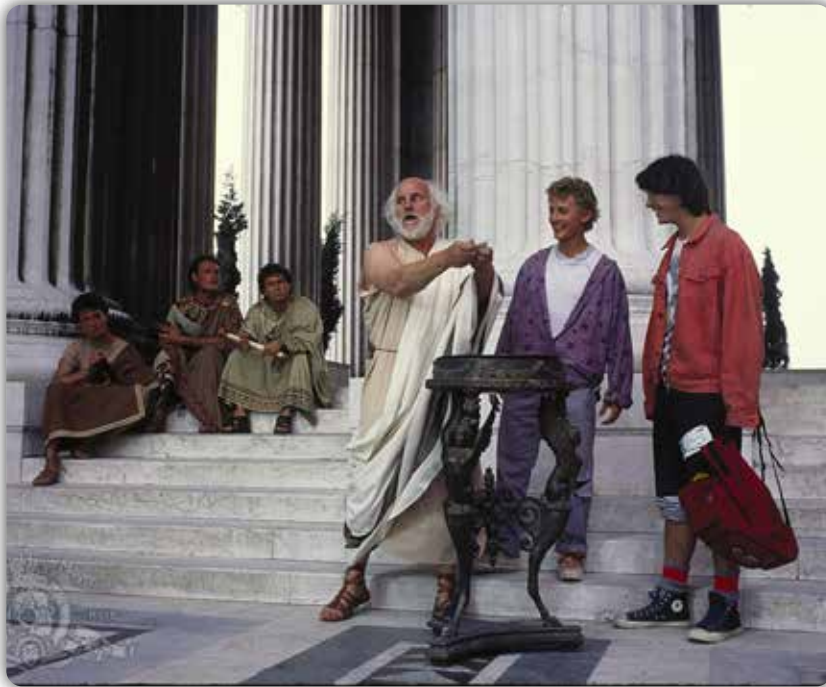
مسعود پزشکیان در جلسه شورای عالی حفاظت محیط زیست، با اشاره به اهمیت این حوزه، گفت: اگر محیط زیست تخریب شود، انسان‌ها نیز آسیب جدی خواهند دید، بنابراین باید برنامه جامعی داشته باشیم تا مانع نابودی محیط زیست شویم. مهم‌ترین مشکل کشور در زمینه محیط زیست، فقدان یک برنامه جامع است، به همین دلیل اقداماتی که تاکنون در این زمینه انجام شده، به اندازه کافی مشکلات را حل نکرده است.

وی تاکید کرد: کشور به برنامه عملیاتی و جامع در زمینه محیط زیست نیاز دارد تا همه بخش‌های مختلف محیط زیستی به صورت یکپارچه دیده شوند.



پس از چند سال فعالیت محدود، اسماعیل مقیمی؛ خواننده و نوازنده موسیقی ایرانی، با قطعه‌ای تازه به نام «دلتنگی» بازگشته است. آهنگسازی «دلتنگی» را اسماعیل مقیمی و میمن مرشد به‌صورت مشترک انجام داده‌اند. مریم فرزادی ترانه آن را سروده و علی جلیل‌زاده تنظیم این قطعه را بر عهده داشته است. در «دلتنگی» همچنان می‌توان عناصر همیشگی آثار مقیمی را دید: تلفیقی از فضای موسیقی ایرانی، ملودی‌های آرام و نگاهی درونی و صمیمی. مقیمی پیش‌تر با قطعه‌ی «باران تویی» در سال ۱۳۹۶ بیشتر شنیده شد و مورد توجه مخاطبان موسیقی احساسی قرار گرفت. حالا با «دلتنگی» نشان می‌دهد که این مسیر را با نگاهی پخته‌تر و هدفمندتر دنبال خواهد کرد. نخستین تجربه رسمی موسیقایی اسماعیل مقیمی در ۱۹ سالگی شکل گرفت و در ۲۳ سالگی اولین اجرای صحنه‌ای خود را تجربه کرد. در سال‌های بعد، چندین اجرای زنده داشته و اکنون با «دلتنگی»، گام تازه‌ای در مسیر هنری خود برداشته است.

راک اند رول به توان سقراط و رفقا



پوریارستمی

دهه‌های هشتاد و نود میلادی دوران طلایی فیلم‌های سفر در زمان محسوب می‌شوند. در میان عناوین متعددی که با همین محوریت موضوعی ساخته شدند اما چند فیلم نه‌تنها گیشه‌ها را فتح کردند، بلکه پا را فراتر از سالن‌های سینما گذاشتند و در شکل‌گیری پاپ کالچر آن دوران تأثیر بسیاری داشتند.

«سفر خارق‌العاده بیل و تد» از دسته همان فیلم‌هاست. مسئله جالبی که وجود دارد این است که در نگاه اول با یک فیلم بشدت ساده طرفیم که در بهترین حالت می‌تواند به‌عنوان یک ماک‌باستر دهه هشتادی تعریف شود. کل فیلم را می‌توان در چند کلمه تعریف کرد. برای یک فیلم با محوریت سفر در زمان این موضوع کمی غیرعادی بنظر می‌رسد، در واقع، با عنوانی طرف هستیم که نباید کار کند! اما کاملاً کار می‌کند. همین سادگی بیش از اندازه‌اش در ترکیب با هوشمندی نویسنده‌اش حتی تبدیل به نقطه‌قوتش می‌شود. سفر خارق‌العاده بیل و تد هیچگاه به مسائل پیچیده علمی یا جنگ‌های بیناکه‌شانی ورود نمی‌کند و ساختمان درامش را حول محور کنش‌های کم‌دیک کاراکترهایش بنا می‌کند نه مسئله سفر در زمان. قدرتش را نیز از همین موضوع می‌گیرد. وقتی بیل و تد از روفوس - شخصی که از آینده آمده- در مورد نحوه سفر در زمان سوال می‌پرسند، پاسخ روفوس برخلاف اکثر فیلم‌های دیگر هیچ ربطی به تایملاین‌های مختلف یا تئوری‌های پیچیده فیزیک ندارد؛ او پاسخ می‌دهد: «تکنولوژی آینده خیلی پیشرفته‌ست!». کل منطق علمی فیلم بر اساس همین جمله پیش می‌رود و اتفاقاً جای هیچ حرفی را نیز باقی نمی‌گذارد.

فیلم روایتگر ماجرای دو دانش‌آموز کله‌خواب است که مأموریت زندگی‌شان را بجای کتاب تاریخ میان‌فرت‌های گیتار الکتریک‌شان جست‌وجو می‌کنند. تا این‌جا قصه برایتان آشنا نیست؟ سکانس افتتاحیه فیلم، درست مثل سری افسانه‌ای بازگشت به آینده آغاز می‌شود. بیل و تد درحال نواختن گیتار الکتریک هستند که آمپلی‌فایر منفجر می‌شود؛ درست مثل اتفاقی که برای مارتی در بازگشت به آینده می‌افتد. اما مواجهه این دو فیلم با مقوله سفر در زمان تنها در همین سطح باقی می‌ماند. بازگشت به آینده و امثالهم اگر در فرامتن خود مسائل جامعه‌شناختی آینده را مورد واکاوی قرار می‌دهند؛ بیل و تد در میان گذشته و تاریخ قدم بر می‌دارند. مواجهه اینچنینی نویسنده در تک‌تک عناصر مهندسی‌شده درام فیلم کد شده است. بیل و تد در انجام یکی از تکالیف کلاس تاریخ به مشکل بر می‌خورند که مردی از آینده به همراه یک باجه تلفن یا بهتر است بگوییم باجه سفر در زمان به کمکشان می‌آید (در نگاه اول شاید به یاد تاردیس دکتر هو بی‌افتید اما هیچ ارتباطی بین این دو وجود ندارد. برخلاف تاردیس این یکی فضای داخلی‌اش بزرگتر از چیزی که بنظر می‌رسد نیست!). سفر خارق‌العاده این دو ستاره آینده موسیقی راک نیز از همین‌جا آغاز می‌شود. آن‌ها بجای این‌که تمام شب را پای کتاب‌های تاریخ بگذرانند، باید به شکل کاملاً تعاملی در دوره‌های تاریخی مختلف سفر و برای تکلیف کلاس تاریخ خود تحقیق کنند.

در واقع، با مواجهه متفاوتی نسبت به موضوع سفر در زمان روبه‌رو هستیم. فیلم از همان سکانس ابتدایی ورود می‌کند به مسائل جامعه‌شناختی/تاریخی جهان آینده؛ اما مسئله‌اش جهان آینده نیست. بلکه با ریشه‌ها (تاریخ) سروکار دارد. بیل و تد، برخلاف بسیاری از فیلم‌های سفر در زمان دیگر توریست‌هایی نیستند که سوار بر ماشین‌های پرنده روی نیویورک آینده پرواز می‌کنند، بلکه پا را کمی فراتر می‌گذارند و فارغ از تکنولوژی و عنصر مکان، در شخصیت‌ها، اتفاقات و فرهنگ عمیق می‌شوند. اتفاقاتی که نهایتاً منجر به اتوپیای دهه هشتاد آمریکا شده‌اند. جهان آینده از بهترین سرسره‌های آبی سراسر کهکشان و راک اند رول بهره‌مند است؛ چه چیزی از این بهتر؟

سفر خارق‌العاده بیل و تد دقیقاً آن معصومیتی که فیلم‌های سفر در زمان دهه هشتاد در خود داشتند را دارد؛ آن کمدی محشور با نوستالژی که بلیت مستقیم‌شان بود به تاریخ سینما. دو نوجوان کله‌خواب دبیرستانی که قرار است با بزرگ‌ترین متفکران تاریخ بشر ماجراجویی کنند! این راه هم به داستان اضافه کنید که هیچ ویژگی منحصر به‌فردی برای بیل و تد تعریف نشده است؛ آن‌ها نه ابرقهرمان هستند و نه از قدرت ماورایی خاصی بهره می‌برند. حتی نواختن گیتار را نیز بلد نیستند (با این‌که موسیقی‌شان تضمین‌کننده آینده بشریت است!) تنها چیزی که دارند یک باجه تلفن با قابلیت سفر در زمان است! (که از قضا آنتنش هم شکسته). اما با این‌حال، در طول ماجراجویی‌هایشان با وجود مشکلات فراوان موفق می‌شوند. این دقیقاً همان چیزی است که بیل و تد را نسبت به مارتی و دکتر براون (بازگشت به آینده) متمایز می‌کند. کاراکترهایی که با وجود فقدان مهارت‌های فوق‌العاده توانایی انجام کارهای بزرگ را داشته باشند.

همین موضوع است که منجر به کار کردن فیلم به‌عنوان یک کمدی سای‌فای دهه‌ی هشتادی می‌شود. بیل و تد با این‌که در طول ماجراجویی‌شان با بزرگ‌ترین افراد تاریخ از ناپلئون بناپارت گرفته تا سقراط و چنگیزخان همراه می‌شوند، هرگز از آن چیزی که هستند دست بر نمی‌دارند. در این زوج است که فیلم قلب و روح خود را پیدا می‌کند (در غیراین‌صورت، با یک فیلم مضحک طرف می‌بودیم که سر تا ته‌اش آب‌بندی شده). از موتیف‌های رفتاری‌شان که به بهترین شکل در مختصات فرهنگ تین‌ایجری آن دوران آمریکا قرار می‌گیرد (مثل ادای هم‌زمان واژه Excellent تا بازی فوق‌العاده کیانو ریوز و الکس وینتر همه در پیوند با یک‌دیگر ساختمان درام فیلم را پی‌ریزی می‌کنند).

در واقع با اثری طرف هستیم که مسئله‌اش سفر در زمان صرف نیست، تاریخ است. فارغ از شلوغ‌بازی‌های علمی عناوین دیگر اینچنینی، سفر خارق‌العاده بیل و تد نشان می‌دهد چطور تک‌تک عناصر شکل‌دهنده تاریخ بلحاظ جامعه‌شناختی به یک‌دیگر وابسته هستند. این مواجهه را می‌توان در مهندسی‌شده‌ترین شکل ممکنش در عناصر تشکیل دهنده درام دید. بیل و تد در پاسخ به پرسش «سزار که بود و چه کرد؟» پاسخ می‌دهند: «سزار یک آدم سالادیه!». همین بچه تنبل‌های کلاس تاریخ اما قرار است هم‌تراز سزار با تاریخ سروکار داشته باشند. سفر خارق‌العاده بیل و تد از طرفی دیگر یادآور دوره‌ای از تاریخ آمریکا است که برای نسل امروز شاید بیش از هر

چیزی نوستالژیک و دور از دسترس بنظر برسد، تصویری قدرتمند از پاپ کالچر اواخر دهه هشتاد. پس از جنگ سرد و پیش از آغاز درگیری‌های نظامی در خاورمیانه، جهانی که روابط انسانی بیش از هر زمان دیگری در آن جریان داشت و راک اند رول قله‌های فرهنگی‌اش را فتح کرده بود. در واقع شاید مهم‌ترین دلیل تداوم موفقیت فیلم‌هایی چون ماجرای خارق‌العاده بیل و تد یا بازگشت به آینده همین دور بودنشان است! انگار قطعه‌ای از تاریخ آمریکا □ و حتی جهان- هستند که قرار نیست دوباره در عالم واقع تجربه شوند. بنابراین در سالن‌های سینما □ و نمایشگرهای خانگی چند اینچی- نشسته‌شان می‌شویم. فیلم‌هایی که فارغ از زبان سینما و کارکردهای روایی به‌عنوان مخدر نوستالژی مصرف می‌شوند.

مرکزیت شکل‌گیری کنش‌های کمدیک فیلم اما پیش از موتیف‌های زبانی و تصویری بیل و تد؛ پیوند دیالکتیک آیکونیک‌ترین شخصیت‌های تاریخ با یک‌دیگر در موقعیت‌های مختلف زمانی است. فیلم بی‌رحمانه به این پرسش که «چه می‌شد اگر بتهوون با پیانو الکتریکی و سینتی سائیز روبه‌رو می‌شد؟» پاسخ می‌دهد. البته هیچگاه از سطح کمدیک خود فراتر نمی‌رود. برای مثال چنگیزخان چوب بیس‌بال را به‌عنوان سلاح جدیدش انتخاب می‌کند یا ژاندارک به شکل حرفه‌ای وارد ورزش یوگا می‌شود!

در اصل، فیلم بجای این‌که تمام وقتش را صرف تعریف خطوط زمانی مختلف و نحوه کارکرد باجه سفر در زمان کند، ریشه‌های دراماتیکش را عمیق‌تر می‌کند. فیلم یک منطق دراماتیک بشدت ساده می‌سازد و کاراکترهایش را در دل تاریخ به نفع همان منطق ساده بدون هیچ توضیح اضافی جای می‌دهد.

اما چیزی که این عنوان را در تاریخ فیلم‌های سفر در زمان ماندگار می‌کند رویکرد متفاوت نویسندگانش با کهن‌الگوهای این ساب‌ژانر است. غالباً در فیلم‌های سفر

در زمان دو پیش‌فرض وجود دارد: یک: سفر به گذشته برای تغییر آینده (به‌عنوان مثال قسمت اول بازگشت به آینده: اگر مارتی مک فلائی نمی‌توانست پدر و مادرش را به یک‌دیگر پیوند بزند از صفحه روزگار حذف می‌شد) و دو: سفر به گذشته برای اطمینان از چرخه اتفاقاتی که از نظر فنی قبلاً افتاده‌اند (ترمیناتور را به یاد بیاورید: کایل ریس همیشه پدر جان کانر بوده). اما در سفر خارق‌العاده بیل و تد با هیچ یک از این پیش‌فرض‌ها مواجه نیستیم! ماجرای بیل و تد خیلی خیلی ساده‌تر از این حرف‌هاست. آن‌ها به گذشته سفر می‌کنند تا بصورت مستقیم در مورد تاریخ تحقیق کنند و برای تکلیف درس تاریخشان آماده شوند. به همین سادگی!

در نهایت باید گفت سفر خارق‌العاده بیل و تد با موفقیت تمام مأموریت خود را به اتمام می‌رساند. منطق دراماتیک فیلم به‌قدری ساده است که جز لحظات کمدی بی‌غل و غش امکان دیگری برای گفتمان بیشتر عرضه نمی‌کند. بیل و تد تنها می‌خواهند تکلیف کلاس تاریخ خود را پشت سر بگذارند، تأیید پدر تد را به دست بیاورند و به تنها چیزی که اهمیت دارد باز گردند: وایلد استایلز (بند راک). برآیند تمام این‌ها عامل درخشش فیلم است. چیزی که باعث می‌شود بیل و تد به‌عنوان یکی از به‌یادماندنی‌ترین آثار دهه هشتاد همچنان یادآوری شوند نه طنز باهوششان است و نه موقعیت‌های سفر در زمان؛ بلکه سطحی تکان‌دهنده از صداقت است که در تمام مدت فیلم جریان دارد. صداقتی که در ترکیب با دوستی‌شان تبدیل به قدرت ماورایی‌شان می‌شود. به‌هرحال، پس از گذشت سی‌سال، بیل تبدیل به یک کارگردان مستند شد و تد تحت‌عنوان جان ویک در سطح بین‌المللی مشغول قتل است! به ذهن‌های درخشان اطراف خود ایمان داشته باشید، شما هرگز نمی‌توانید حدس بزنید آن‌ها چه پتانسیل‌هایی را از شما پنهان می‌کنند. حتی اگر از آینده آمده باشید...

نیازی به تزریق واکسن هست؟

معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به افزایش آمار کرونا در کشور گفت: کرونا مانند سایر بیماری‌ها بومی شده است و تزریق واکسن کرونا را توصیه نمی‌کنیم. به گزارش «دنیای هوادار»، علیرضا رئیسی روز گذشته در جمع خبرنگاران درباره آمار کرونا اظهار کرد: کرونا هیچ موقع حذف نمی‌شود و در دنیا بومی شده است.

رئیس با بیان اینکه عفونت حاد تنفسی مرتب رصد می‌شود، افزود: حدود ۲ درصد عفونت‌های تنفسی کرونا مثبت شدند اما سویه جدیدی نیست و واکسن آن زده شده است.

معاون وزیر بهداشت با بیان اینکه از هر صد آزمایش کرونا چهار مورد مثبت می‌شود، افزود: اکنون کرونا مانند سایر ویروس‌ها که بومی شدند، بومی شده و زمانی خطرناک می‌شود که سویه جدید بیاید.

وی تأکید کرد: مانند همه بیماری‌های دیگر فرد مبتلا باید از ماسک استفاده کند و اگر در منطقه‌ای این بیماری شایع یافت، استفاده از ماسک توصیه می‌شود.

رئیس ادامه داد: تزریق واکسن کرونا را توصیه نمی‌کنیم اما برای افرادی که دچار ضعف سیستم ایمنی هستند همچنین برای افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن کلیوی، ریه یا سرطان تزریق واکسن آنفولانزا واجب‌تر است.

نیازی به تزریق واکسن هست؟

معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به افزایش آمار کرونا در کشور گفت: کرونا مانند سایر بیماری‌ها بومی شده است و تزریق واکسن کرونا را توصیه نمی‌کنیم. به گزارش «دنیای هوادار»، علیرضا رئیسی روز گذشته در جمع خبرنگاران درباره آمار کرونا اظهار کرد: کرونا هیچ موقع حذف نمی‌شود و در دنیا بومی شده است.

رئیس با بیان اینکه عفونت حاد تنفسی مرتب رصد می‌شود، افزود: حدود ۲ درصد عفونت‌های تنفسی کرونا مثبت شدند اما سویه جدیدی نیست و واکسن آن زده شده است.

معاون وزیر بهداشت با بیان اینکه از هر صد آزمایش کرونا چهار مورد مثبت می‌شود، افزود: اکنون کرونا مانند سایر ویروس‌ها که بومی شدند، بومی شده و زمانی خطرناک می‌شود که سویه جدید بیاید.

وی تأکید کرد: مانند همه بیماری‌های دیگر فرد مبتلا باید از ماسک استفاده کند و اگر در منطقه‌ای این بیماری شایع یافت، استفاده از ماسک توصیه می‌شود.

روز شمار هفته ملی اهدای عضو اعلام شد

معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نامه‌ای به معاونان درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، روز شمار هفته ملی اهدای عضو را با تأکید بر اهمیت آموزش تخصصی، عمومی و ترویج فرهنگ اهدای اعضا از موارد مرگ مغزی اعلام کرد. به گفته وی، ۲۵ اردیبهشت روز اهمیت اهدای اعضا در نجات جان و بهبود کیفیت زندگی بیماران، ۲۶ اردیبهشت روز آموزش مؤلفه تأثیرگذار در ارتقای آگاهی عمومی در خصوص اهدای اعضا از موارد مرگ مغزی، ۲۷ اردیبهشت روز اطلاع‌رسانی جامع و ترویج فرهنگ اهدای اعضا از موارد مرگ مغزی، ۲۸ اردیبهشت روز تعامل، توانمندسازی و تقویت رویکردهای مشارکتی نهادهای دولتی و غیردولتی در خصوص اهدا و پیوند اعضا، ۲۹ اردیبهشت روز هماهنگ‌کنندگان اهدای اعضا رکن اساسی تحقق پیوند اعضا، ۳۰ اردیبهشت روز خانواده‌های اهداکننده اعضای پیوندی متعالی‌ترین انسان‌ها در مقیاس ایثار و بخشش و ۳۱ اردیبهشت روز ملی اهدای عضو، اهدای زندگی نامگذاری شده است.



«دنیای هوادار» لزوم تمرکززدایی و تقویت سرانه‌های آموزشی در شهرها را بررسی می‌کند؛

آینده، جایی است که مدرسه دارد، نه فقط مرکز اداری!



از تهران متراکم تا ایران متوازن

تمرکززدایی، در معنای واقعی، یعنی پایان دادن به تهران‌محوری.

انتقال مرکز سیاسی یا اداری به هر نقطه‌ای، اگر با توسعه خدمات عمومی، زیرساخت‌های آموزشی، فرهنگی و درمانی در سراسر کشور همراه نشود، جز یک جابه‌جایی صوری نخواهد بود. تمرکززدایی باید با تمرکز بر انسان آغاز شود: کودکانی که باید در مدرسه‌ای امن و مجهز درس بخوانند، والدینی که نباید برای ثبت‌نام فرزندشان در مدرسه‌ای شرافت‌مندانه، وام بگیرند یا مهاجرت کنند. وزارت راه و شهرسازی اگر می‌خواهد نقشی مؤثر در بازتعریف عدالت فضایی در ایران ایفا کند، باید آموزش را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی مداخلاتش تعریف کند. تنها با فراهم کردن اراضی آموزشی کافی، با کاربری تثبیت‌شده و حفاظت‌شده، می‌توان چشم‌اندازی تازه از شهرهای انسان‌محور و آینده‌نگر ترسیم کرد. شاید وقت آن رسیده باشد که سیاست‌گذاری در ایران از مدار «کلان‌پروژه‌های پر زرق و برق» به سمت «خدمات‌رسانی زیرساختی پایدار» بازگردد. تمرکززدایی باید با واگذاری اختیارات واقعی به شهرهای دیگر، تأمین منابع انسانی و مالی کافی، و تضمین زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی همراه شود. اگر روزی انتقال مرکز سیاسی کشور به شهری دیگر عملی شود، اما کودک همان شهر در مدرسه‌ای فرسوده و بدون فضای ورزشی درس بخواند، آن تمرکززدایی نه عدالت خواهد آورد و نه توسعه. راه تهران از آموزش می‌گذرد؛ از مدرسه‌هایی که دیگر نباید تنها یک ساختمان ساده باشند، بلکه باید سنگ‌بنای آینده‌ای بهتر برای همه ایرانیان باشند.

نقشه‌های شهری سرانه‌های آموزشی را تعریف کرده‌اند، اما این سرانه‌ها به مرحله اجرا نرسیده‌اند و بعضاً دچار تغییر کاربری نیز شده‌اند. این بحران، در لایه‌ای عمیق‌تر، حاکی از رابطه نامیمون میان رشد بی‌برنامه شهری و فقر آموزشی است. در شهرهایی که زمین با ارزش سرمایه‌ای بالا تلقی می‌شود و اولویت به مجتمع‌های تجاری و مسکونی داده می‌شود، مدارس اولین قربانیان اند زمین‌هایی که روزگاری برای ساخت مدارس در نظر گرفته شده‌اند، حالا جای خود را به برج‌های مسکونی، مال‌ها یا انبارهای صنعتی داده‌اند. این‌همه در شرایطی رخ می‌دهد که آموزش، اساس توسعه پایدار است.

سیاست اعلام‌شده مبنی بر تعیین تکلیف زمین‌هایی که در نقشه‌ها کاربری آموزشی داشته‌اند اما اجرایی نشده‌اند، اقدامی دیرینه‌نگام اما مهم است. تأمین زمین برای آموزش، پیش‌نیاز هرگونه توسعه انسانی است. باید دانست که مشکل کمبود مدرسه، صرفاً مسئله «بودجه» یا «کمبود معلم» نیست؛ بلکه در وهله اول، ریشه در تصمیم‌گیری‌های شهرسازی و نگاه زمین‌محور به آموزش دارد. در بسیاری از شهرها، زمین آموزشی یا وجود ندارد یا با چالش حقوقی و مالکیتی مواجه است. از سوی دیگر، شهرداری‌ها در برخی موارد به دلایل مالی، ترجیح داده‌اند کاربری آموزشی را تغییر دهند تا پروژه‌های سودآورتری تعریف کنند. این چرخه معیوب باعث شده تا نه تنها کودکان از دسترسی به فضای آموزشی باکیفیت محروم شوند بلکه اصل عدالت آموزشی زیر سوال رود.

تغییر پارادایم: آموزش به مثابه حق شهروندی

در جهانی که «مدرسه» تنها محل یادگیری نیست، بلکه نقش مهمی در هویت‌بخشی محله، کاهش آسیب‌های اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام محلی دارد، حذف یا تضعیف فضاهای آموزشی چیزی بیش از یک خطای برنامه‌ریزی است؛ یک خیانت به آینده است. سیاست‌گذاران باید آموزش را نه صرفاً «خدمت» بلکه «حق» ببینند. حتی که اگر از دست برود، پایه‌های جامعه مدرن هم خواهد لرزید. شهرسازی در ایران نیازمند تغییر پارادایم است. مدل‌های فعلی توسعه شهری بیشتر بر سودآوری اقتصادی و بازدهی مالی تأکید دارند تا بر شاخص‌های انسانی و فرهنگی. تغییر این نگاه، بدون تجدیدنظر در شیوه نگاه به آموزش ممکن نیست. تأمین زمین آموزشی، باید به اندازه تأمین آب و برق و گاز اهمیت یابد؛ نه یک تبصره در گوشه طرح تفصیلی شهر.

ایمان روزبهبانی

تهران دیگر نمی‌کشد. این را نه فقط شهروندان می‌گویند که در ترافیک، آلودگی، اجاره‌خانه‌های بی‌رحم و سرویس‌های آموزشی ازنفس افتاده جان می‌کنند؛ بلکه حالا از زبان وزیر راه و شهرسازی هم به شکلی صریح شنیده می‌شود: «تهران مدت‌هاست که تحمل بارگذاری بیشتر مسکونی را ندارد». در روزگاری که پایتخت از فرط جمعیت، زیرساخت‌ها، هوای آلوده و کمبود منابع در حال خرد شدن است، تمرکززدایی و برنامه‌ریزی برای ایجاد تعادل بین مناطق مختلف کشور، دیگر نه یک گزینه، که ضرورتی عاجل است. اما تمرکززدایی تنها در حد شعار نمی‌ماند، اگر با اصلاح ساختارهای خدماتی، مخصوصاً در حوزه آموزش، همراه شود.

پایتخت ایران در طول دهه‌ها به شکلی غیرطبیعی فریه شده. شهرها و استان‌های دیگر کشور، هر بار با کمبود بودجه، فقدان زیرساخت، مهاجرت نیروی انسانی و تخلیه منابع مواجه شدند، تهران انگار همه‌چیز را به سمت خود کشاند؛ از منابع مالی گرفته تا استعدادهای انسانی. نتیجه اما نه توسعه متوازن که گسترش یک آپر شهر بی‌نفس بود. شهری که حالا دیگر حتی نمی‌تواند خودش را مدیریت کند، چه رسد به اینکه میزبان رشدی بعدی باشد. در این میان، تمرکززدایی نه فقط برای نجات تهران، بلکه برای احیای توازن ملی یک ضرورت است. مسئله فقط انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور به جای دیگر نیست، بلکه بازتعریف عدالت فضایی در حوزه آموزش، بهداشت، اشتغال و زیست‌پذیری است. سال‌هاست که استان‌هایی چون البرز، قزوین، قم، سمنان و شهرهای بزرگ خراسان رضوی، اصفهان و فارس بار این تمرکز شدید را به دوش کشیده‌اند، بی‌آنکه سهمی واقعی از امکانات تهران ببرند. این فشار باعث رشد حاشیه‌نشینی، گرانی زمین، تراکم ساخت‌وساز و بی‌برنامگی در توسعه شهری شده است.

آموزش، نخستین قربانی توسعه نامتوازن

از میان تمامی عرصه‌هایی که از تمرکزگرایی ضربه خورده‌اند، آموزش جایگاهی خاص دارد. نظام آموزشی کشور هم‌اکنون با چالش‌های بزرگی مواجه است؛ از کمبود فضای آموزشی تا تراکم جمعیتی در کلاس‌ها، نبود زیرساخت‌های آموزشی مدرن، و نابرابری فاحش در دسترسی به مدارس باکیفیت. وزیر راه و شهرسازی در جلسه اخیر شورای عالی شهرسازی به نکته‌ای کلیدی اشاره کرده است: بسیاری از

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای نوروز یسلایانی چقیورتی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است به علت سهل انگاری اصل سند مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی سند مالکیت شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۰ مترمربع به شماره ۶۴۹۳ فرعی از ۱۵۳ از اصلی مفروز از پلاک ۱۱۸۶ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج برابر رای قانون تعیین تکلیف اراضی و املاک فاقد سند رسمی شماره ۱۳۹۵/۱۲/۰۳ مورخه ۱۳۹۵/۰۳/۳۰ و سند قطعی شماره ۲۷۷۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۳۰ دفترخانه ۹۱ کرج شش‌دانگ پلاک مذکور به آقای نوروز یسلایانی چقیورتی منتقل شده و سند مالکیت به شماره چاپی ۰۱۳۰۸۳ صادر شد لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۲۹۲۸۰

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

آگهی انتشار اخطار افراز

خواهان

خانم آرزو افخمی به آدرس: کرج - مهریلا - سهروردی شرقی - پلاک ۱۲۰ واحد ۲

خوانده

آقای سعید شاه کرم به آدرس: کرج - رجائی شهر - خیابان قائم (داریوش) - پلاک ۳۷۰ با عنایت به اینکه خانم آرزو افخمی احدی از مالکین مشاعی پلاک ثبتی ۵۰۴۷ فرعی از ۱۵۵ اصلی به موجب درخواست شماره ۹۰۴۶۱۵۷ مورخه ۱۴۰۳/۸/۲۹ تقاضای افراز سهمی خود را از این اداره نموده اند و مورخه ۱۴۰۴/۲/۳۱ ساعت ۱۰ الی ۱۴ برای بازدید از محل وقوع ملک تعیین گردیده لذا مراتب بدینوسیله به شما ابلاغ و اطلاع داده میشود تا برای بازدید از محل در روز و ساعت تعیین شده در این اداره یا در محل وقوع ملک حضور بهم رسانید. ۱۹۲۹۳۴۳

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

تکلیف دومین تیم صعودکننده به هفته آخر کشید؛

فجر سپاسی قهرمان شد

سعید احمدیان

در هفته سی و سوم لیگ دسته اول، فجر سپاسی که صعودش را قطعی کرده بود با برتری برابر داماش قهرمان شد و تعیین دومین تیم صعودکننده به لیگ برتر به هفته پایانی کشیده شد.

به گزارش «دنیای هوادار»، هفته سی و سوم و ماقبل پایانی لیگ دسته اول فوتبال باشگاه‌های کشور جام آزادگان با انجام ۹ دیدار برگزار شد.

در رقابت‌های امروز، فجر شهید سپاسی که به عنوان اولین تیم مجوز صعود به لیگ برتر را گرفت، برابر داماش گیلان به پیروزی ۴ بر صفر رسید. فجر با این برد ۶۶ امتیازی شد و عنوان قهرمانی لیگ دسته اول را به دست آورد.

در مهم‌ترین دیدار این هفته در آبادان، تیم‌های صنعت نفت و پیکان به مصاف هم رفتند، ۲ تیمی که جنگ نزدیکی برای صعود به عنوان تیم دوم به لیگ برتر دارند.

صنعت نفت در این دیدار خانگی و حساس توانست ۲ بر صفر پیکان را شکست دهد. صنعت نفت با این برد هم‌مانند پیکان ۵۸ امتیازی شد اما به دلیل تفاضل گل پایین‌تر در رده سوم قرار گرفت. پیکان هم با وجود شکست رده دوم را حفظ کرد تا همه چیز برای صعود به هفته آخر کشیده شود.

در دیگر بازی، آریو اسلامشهر دیگر تیم مدعی ۳ بر صفر شهرداری آستارا را پیش‌رو برداشت و با ۵۷ امتیاز در رده چهارم باقی ماند تا شانس‌های صعود این تیم هم زنده بماند.

سایپا دیگر تیم مدعی هم مس کرمان را یک بر صفر شکست داد و ۵۷ امتیازی شد و با توجه به تفاضل گل کمتر نسبت به آریو در رده پنجم قرار گرفت.

با توجه این نتایج در هفته پایانی که ۲۸ اردیبهشت برگزار می‌شود، تکلیف دومین تیم صعودکننده از بین تیم‌های پیکان (۵۸ امتیاز)، صنعت نفت (۵۸ امتیاز)، آریو (۵۷ امتیاز) و سایپا (۵۷ امتیاز) مشخص خواهد شد.

پیکان با توجه به تفاضل گل بالا شانس بیشتری نسبت به ۳ تیم دیگر برای صعود و بازگشت به لیگ برتر دارد. در هفته سی و چهارم پیکان با مس کرمان بازی خواهد کرد، آریو اسلامشهر در یک بازی حساس میزبان صنعت نفت است و سایپا با فجر سپاسی دیدار می‌کند.

در قعر جدول هم شهر راز شیراز با شکست ۲ بر صفر برابر پالایش نفت بندرعباس، ۲۹ امتیازی باقی ماند و با قرار گرفتن در رده هفدهم به دسته دوم سقوط کرد. نفت مسجد سلیمان هم برابر نیروی زمینی ۲ بر صفر شکست خورد و با ۳۰ امتیاز و قرار گرفتن در رده شانزدهم یک هفته مانده به پایان مسابقات، به دسته دوم سقوط کرد.

بدین ترتیب تیم‌های شهرداری آستارا، شهر راز شیراز و نفت مسجد سلیمان به دسته دوم سقوط کردند.

در سایر دیدارهای هفته سی و سوم، بعثت کرمانشاه مقابل پارس جنوبی جم به تساوی یک - یک رسید، شهرداری نوشهر با یک گل مس شهربابک را شکست داد و مس سونگون هم با نتیجه ۲ بر صفر برابر نفت و گاز گچساران به پیروزی رسید.



مجوز محمدی برای حضور در جام حذفی صادر می‌شود

شمارش معکوس برای بازگشت مهرداد محمدی هافبک استقلال که سال گذشته دچار مصدومیت شده بود، آغاز شده و برای حضور در دیدار نیمه‌نهایی جام حذفی مجوز خواهد گرفت. مهرداد محمدی که پس از مصدومیت شدید در بازی با النصر عربستان در لیگ نخبان آسیا از ترکیب استقلال دور بوده، مدت‌هاست در تمرینات این تیم حضوری فعال و جدی دارد. او با پشت سر گذاشتن روزهای تلخ مصدومیت شرایط خوبی پیدا کرده و در تمرینات تاکتیکی استقلال حضوری فعال دارد. این وینگر با آمادگی بدنی مناسب، نشان داده که برای بازگشت به ترکیب آماده است. محمدی تنها منتظر چراغ سبز پزشکان استقلال برای حضور در میدان است و لحظه‌شماری می‌کند تا دوباره پیراهن استقلال را بر تن کند.



دنیای هوادار

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۲

ورزش

نصف جهان

در آیین تجلیل از کاپیتان یک دهه تیم ملی و نخستین مدال آور پارالمپیک مطرح شد؛

قهرمانان ورزشی اصفهان را «پهلوان» می‌دانیم

اصغر قلندری



جمالی‌نژاد در آیین تجلیل از قهرمانان تکواندوی استان اصفهان افزود: «همه ورزشکاران و رویدادهای ورزشی، برای شهر، استان و مردم شریف اصفهان که در همه حوزه‌ها درخشیده‌اند، افتخاری بس ارزشمند به شمار می‌آیند».

وی تصریح کرد: «اصفهان علاوه بر درخشش در حوزه‌های هنری و صنعتی، در زمینه‌های ورزشی نیز افتخارات زیادی کسب کرده است».

استاندار اصفهان با اشاره به سابقه حضور خود در ورزش‌های انفرادی گفت: «اصفهان علاوه بر آنکه پایتخت ورزش‌های تیمی مانند فوتبال، فوتسال و هندبال به شمار می‌رود، در ورزش‌های انفرادی نیز افتخارات چشمگیری به دست آورده است».

وی با بیان اینکه «دست پهلوانان و مدال‌آوران تکواندو و پارالمپیک را می‌بوسیم»، اضافه کرد: «ورزشکاران تکواندو را به دلیل رویکردشان پهلوان می‌دانیم؛ چرا که بسیاری از آن‌ها توانایی کسب مقام قهرمانی را دارند».

اما باید اذعان کنیم که همه ورزشکاران ما، اسطوره‌های پهلوانی هستند».

در پایان این آیین، با اهدای قاب‌های نفیس مزین به تصویر سجاد مردانی، کاپیتان خردمند و باتجربه تیم ملی تکواندو، و حامد حق‌شناس، نخستین مدال‌آور پارالمپیک استان اصفهان، همراه با جوایزی از این دو ورزشکار تجلیل به عمل آمد.

از بلژیک تا بلندی‌های برنابو؛ تیپو و قصه جاودانگی

وحید تیموری



همه توپ‌های ما را گرفت».

مسیر پر سنگلاخ تا قله‌های برنابو

اما مسیر تیپو همیشه هموار نبوده. او زمانی که از چلسی به مادرید آمد، باید با دیواری به نام ناواس رقابت می‌کرد و در عین حال، بی‌رحمی رسانه‌ها و هواداران مادریدی را تحمل می‌کرد. هو شدن‌های مکرر، انتقاد از اشتباهات ابتدایی، و مقایسه‌های مداوم با گذشته، می‌توانست هر ذهن و روانی را از پا بپندازد. اما کورتوا، برخلاف ظاهر خونسردش، روحیه‌ای سرکش داشت: «تا نگویند تمام شده‌ای، ادامه بده».

او بازسازی شد؛ نه تنها در سطح فنی، بلکه در سطح روانی. کورتوا به نمونه‌ای از پیشرفت مستمر بدل شد. تمرینات انعطاف‌پذیری‌اش به همراه کار با مربیان دروازه‌بان تخصصی، موجب شد دامنه واکنش‌ها و دقت موقعیتی‌اش به شکل چشمگیری ارتقا یابد. او با تکیه بر قدرت ذهن، در قامت یک روان‌شناس درون دروازه، دوباره خود را تعریف کرد.

کلین‌شیت برای کورتوا فقط یک عدد در آمار نیست. او در فلسفه بازی‌اش به دنبال تعریف جدیدی از دروازه‌بانی است. حضور در محوطه جریمه برای او شبیه به رهبری ارتش است؛ با فریادهای دائمی، زبان بدن مسلط، و میدان‌داری در مدیریت خط دفاع. چه در بازی‌سازی از عقب، چه در کنترل ضربه‌ها، حملات حریف، و چه در ضربه‌هایی که از مهارت یک توپ‌شروع می‌شوند، کورتوا همیشه حاضر است.

دروازه‌بانی در عصر مدرن، بیش از هر زمان دیگری نیازمند ترکیب مهارت‌های سنتی با مهارت‌های نوین است. و تیپو کورتوا، نماد این پیوند است؛ کسی که با بازوهای کشیده‌اش سنت سیوهای باشکوه را حفظ کرده و با مغزش، الگوهای نوین دفاعی را مدیریت می‌کند.

روز یازدهم ماه مه، تولد دروازه‌بانی‌ست که شاید «دستکش طلایی» برای او صفتی ناکافی باشد. تیپو کورتوا، گلر بلندقامت بلژیکی، روز گذشته ۳۳ ساله شد؛ مردی که با قامت ۲ متر، سایه‌ای افسانه‌ای بر دروازه‌های اروپا انداخته و در فینال ۲۰۲۲ لیگ قهرمانان اروپا، خود را جاودانه کرد.

در دنیای فوتبال، برخی پست‌ها با افسانه‌سازی فاصله دارند؛ چون آمارها بیشتر از خاطره‌ها می‌درخشند. اما کورتوا از آن معدود دروازه‌بان‌هایی‌ست که نه فقط آمار، بلکه لحظه خلق کرده است؛ لحظه‌هایی که از صفحه تلویزیون تا اعماق حافظه طرفداران حک شده‌اند.

فصل تاج‌گذاری در قلب پاریس

۲۸ مه ۲۰۲۲، استادو فرانس پاریس، فینال لیگ قهرمانان اروپا: تقابل غول‌های قاره سبز، رئال مادرید و لیورپول. اما نه وینسیسیوس با گلش و نه صلاح با عیش انتقام، هیچ‌کدام به اندازه تیپو کورتوا، مرکز ثقل روایت آن شب نبودند. کورتوا با ۹ واکنش درخشان، دروازه‌اش را قفل زد. نه فقط قفل، بلکه دیواری ساخت که حتی عقاب‌های لیورپول هم از پرواز بازماندند.

واکنش بی‌نقص به ضربه سر محمد صلاح که به‌دقت مو با طاق دروازه فاصله داشت، نقطه اوج مهارت‌های او بود. چابکی، تمرکز، پیش‌بینی، و در نهایت، خونسردی در لحظه: کورتوا در آن شب، چیزی فراتر از یک دروازه‌بان بود. او نقشی ایفا کرد که در فوتبال مدرن کمتر به چشم می‌آید: ناجی. کورتوا همان شب رکورد بیشترین سیو در فینال‌های لیگ قهرمانان را (از فصل ۲۰۰۴ به بعد) به نام خود زد. شش مهار از شوت‌های محمد صلاح کافی بود تا کلپ پس از بازی با حالتی نیمه‌طنز بگوید: «منی‌دانم چند دست داشت، اما



■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری ■ سردبیر: مهدی تیموری

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری ■ صفحه آرا: امیر بیات

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ ■ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ ■ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۱۲

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



مراسم تجلیل از

چهره های ماندگار ورزش ایران

**TRIBUTE TO THE LEGENDS
OF IRANIAN SPORTS**

۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ — ساعت ۱۵ الی ۱۷

تهران، ورودی درب جنوب نمایشگاه بین المللی، دست چپ، بعد از گیت ۱۸
چهارراه اداری، رو بروی سازمان توسعه تجارت ایران، سالن کنفرانس شماره یک